

The role of press comedy in social awareness and critique of the functioning of power institutions (Case - study: elections of National Assemblies during the Pahlavi II)

Mehdi Khosravi *
Ali-akbar Amini **

Received: 2019/09/04
Accepted: 2019/09/30

This Article is related to the conceptual function of humorous tendencies on community consciousness and the critique of ruling political discourses; in this research Using the method of discourse analysis, important works of satire have been mentioned at the time and in the issue of the election of the National Assembly as one of the functions of the institution of power during the Second Pahlavi period (1357-1351). Regarding the political atmosphere and critical discourses of that era, the satire in the press was largely political in nature, and in the majority of cases, comic and social issues were published, especially in the form of lyrics with political intentions and for the purpose of discursive purposes. The special political space and the type of relations and general culture dominated during the reign of Mohammad Reza Shah Pahlavi spread his shadow over the literary works of this era, so that after the important events of the August 28 coup by exercising more control over the press activities, the satire as a means of expression The truths and knowledge of the people were used by critics.

Keywords: Comedy press, Pahlavi II, Political press, National assembly, Discourse.

* Ph.D. Student of Political Science at Islamic Open University, Tehran. I.R. Iran.

mehdikhosravi63@yahoo.com

** Assistant Professor of Political Science at Islamic Open University, Tehran. I.R. Iran.

ali.amini@iauctb.ac.ir

نقش طنز مطبوعاتی در آگاهی جامعه و نقد عملکرد نهادهای قدرت (مطالعه موردی: انتخابات مجالس شورای ملی در دوران پهلوی دوم)*

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۳/۰۶/۱۳۹۷

تاریخ پذیرش: ۰۸/۰۷/۱۳۹۷

مهدی خسروی *

علی اکبر امینی **

چکیده

مقاله حاضر موضوعی مرتبط با کارکرد مفهومی طنز در نقد گفتمان‌های سیاسی حاکم است؛ که با استفاده از روش تحلیل گفتمان، آثار مهم طنز در مقطع زمانی عنوان‌شده و در موضوع انتخابات مجالس شورای ملی مورد تتبع و جستجو قرار گرفته است. برای تحلیل متون طنز انتخابی با بهره‌گیری از روش تبیینی نورمن فرکلاف نشان داده‌ایم در دوره پهلوی دوم چگونه مطبوعات طنز موضوعات سیاسی روز را به باد انتقاد گرفته و محتوای گفتمانی خویش را تولید و هویت‌یابی کرده‌اند. با توجه به فضای سیاسی و گفتمان‌های انتقادی آن دوران، طنزهای مندرج در مطبوعات عمدتاً دارای دلالت‌های سیاسی بودند و در اکثریت موارد، سایر حوزه‌های مفهومی طنز منتشر شده نیز به ویژه در قالب اشعار با اغراض سیاسی و در جهت تامین مقاصد گفتمانی منتشر شده‌اند. فضای خاص سیاسی و نوع مناسبات و فرهنگ عمومی حاکم در دوره محمدرضا شاه پهلوی، سایه خود را بر آثار ادبی این دوران گستراند، به گونه‌ای که بعد از حوادث مهم و قابل تأمل کودتای ۲۸ مرداد، با اعمال نظارت بیشتر بر فعالیت‌های مطبوعاتی، طنز به‌عنوان ابزاری برای بیان حقایق و آگاهی مردم مورد استفاده منتقدان قرار گرفت؛ در این میان موضوع نقد انتخابات یکی از سوژه‌هایی بود که هرازچندگاهی عناصر هویتی گفتمان حاکم را در معرض نقد قرار می‌داد.

واژگان کلیدی: طنز، پهلوی دوم، مطبوعات سیاسی، مجلس شورای ملی، گفتمان.

این مقاله برگرفته از رساله دکتری با عنوان «بررسی گرایش‌های مفهومی طنز در مطبوعات سیاسی ایران (مقایسه دوران پهلوی دوم و جمهوری اسلامی)» نویسنده: مهدی خسروی و استاد راهنما: دکتر علی اکبر امینی و اساتید مشاور: دکتر محمدرضا مایلی و دکتر سوسن صفاوردی، است.

* دانشجوی دکتری علوم سیاسی گرایش مسایل ایران، دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد، واحد تهران مرکزی، تهران، جمهوری اسلامی ایران.
mehdikhosravi63@yahoo.com

** استادیار علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، جمهوری اسلامی ایران (نویسنده مسئول).
ali.amini@iauctb.ac.ir

مقدمه

بیان مسئله: باتوجه به جایگاه و موقعیت قدرت سیاسی، این واقعیت که صیانت و ارتقای قدرت نیازمند نقد است؛ مطرح شده و در پی آن روش‌های مختلفی برای انجام این مهم ارائه شده است. در این میان روش طنز از اهمیت و تأثیر بالایی برخوردار است که ذهن بسیاری از تحلیل‌گران سیاسی را به خود معطوف داشته است. در این نوشتار این مسئله اساسی مورد توجه و پژوهش در فضای بومی قرار گرفته است.

اهمیت: از آنجا که جامعه ایران از فرهنگ سیاسی پیچیده‌ای برخوردار است، تلاش برای درک صحیح و طراحی الگوهای مناسب برای ورود به فضای نقد براساس طنز دارای اهمیت کاربردی می‌باشد که در دستور کار این پژوهش است.

ضرورت: عدم توجه به کارکردهای سیاسی طنز و بی‌توجهی به الگوهای کارآمد در این حوزه، می‌تواند به تنزل جایگاه طنز از یک طرف و عدم بهره‌مندی قدرت سیاسی از خدمات طنز از سوی دیگر منجر شود. این ملاحظات بیانگر ضرورت‌های سیاسی-اجتماعی توجه به طنز و نقدهای سیاسی آن است.

اهداف: هدف اصلی این پژوهش تبیین کارکردهای طنز سیاسی در تاریخ ایران است تا از این طریق زمینه نقد و ارتقای آن فراهم شود. افزون بر آن کمک به توسعه دانش در این موضوع و تقویت رویکرد بومی نیز مدنظر بوده است.

سؤال‌ها: سؤال اصلی پژوهش عبارتست از: «طنز مطبوعاتی (در قالب نقد انتخابات) چه تأثیری به گفتمان قدرت در دوره پهلوی داشته است؟». در این خصوص سؤال از چیستی طنز مطبوعاتی، و مؤلفه‌های بومی آن در ایران به عنوان سؤال‌های فرعی طرح و پاسخ داده شده‌اند.

۱. پیشینه تحقیق

با توجه به رویکرد این پژوهش، می‌توان منابع موجود را به دو گروه اصلی تقسیم کرد: ۱-۱. متونی که به بررسی زبان‌شناختی طنز پرداخته‌اند. در این متون نویسنده با استفاده از یکی از نظریات شاخص در حوزه زبان‌شناختی به بررسی و تبیین محتوایی یک نمونه و یا چند اثر می‌پردازد، این روش به لحاظ علمی دارای اعتبار است، اما به

علت محدودیت موضوعی، نمی‌تواند به صورت گویا فضای حاکم بر دوره اثر و یا تعاریف مرتبط با کارکرد و مفاهیم طنز را برای مخاطب به خوبی ترسیم نماید. در این خصوص می‌توان به این منابع اشاره داشت: محمودی بختیاری و آی بیگ (۱۳۸۸)، رشیدی و باقری خلیلی (۱۳۹۵)، داچک (۱۳۸۶).

۱-۲. آثاری که در آنها به سیر تحول تاریخی و ادبی طنز پرداخته شده است، این متون غالباً توسط پژوهشگران حوزه ادبیات و تاریخ منتشر شده‌اند. کلی‌گویی، دخالت اغراض شخصی و یا سیاسی به همراه عدم رعایت شاخص‌های پژوهش محور، از ضعف‌های این آثار است. برای نمونه فریده توفیق (۱۳۸۴) در کتاب «روزنامه توفیق و کاکا توفیق» ضمن بیان خاطرات و مطالبی از دوران انتشار این نشریه، تحت تأثیر شیفتگی شدید به مجله توفیق، نقد و بررسی بی‌طرفانه‌ای در این کتاب به چشم نمی‌خورد. دیگر نمونه‌های این دسته، عبارتند از: صلاحی (۱۳۸۲)، جوادی (۱۳۸۴) و نبوی (۱۳۷۸)، شریفی و کرامتی (۱۳۸۸).

با عنایت به پیشینه فوق، وجه تمایز پژوهش در این‌است که به دلیل عدم تمرکز بر شخص یا یک متن ادبی، تمرکز اصلی به کارکرد گفتمانی طنز در مطبوعات سیاسی است. در ارتباط با موضوع نهاد قدرت (انتخابات) سعی شده است، ضمن معرفی اجمالی مفاهیم طنز و ارتباط آن با حوزه زبان‌شناختی، ساختار گفتمانی آن تبیین گردد.

۲. تعاریف و اشکال مفهومی طنز

طنز در اصل واژه‌ای عربی است و در سخن به معنی مسخره‌کردن، طعنه‌زدن، عیب‌کردن، سخن به رموز گفتن و به استهزاء از کسی سخن گفتن است. در اصطلاح ادبی نیز طنز به نوع خاصی از آثار منظوم، یا منثور ادبی گفته می‌شود که اشتباهات یا جنبه‌های نامطلوب رفتار بشری، فسادهای اجتماعی سیاسی یا حتی تفکرات فلسفی را به شیوه‌ای خنده‌دار به چالش (و نقد) می‌کشد (اصلائی، ۱۳۹۱، ص. ۱۴۰). از عوامل بروز طنز سیاسی و اجتماعی با رویکرد انتقادی در هر جامعه، شکاف و فاصله میان طبقات اجتماعی و به ویژه طبقه قدرتمند با طبقات و گروه‌های پایین‌تر اجتماعی است. طنز با قرار گرفتن میان شکاف و گسل‌های اجتماعی قدرت‌نمایی می‌کند و یکی از مهم‌ترین اهداف اصلی

خود را اصلاح نقش گروه‌های اجتماعی و ترمیم این شکاف قرار می‌دهد (عرفانی، ۱۳۷۹، صص. ۵۲-۵۳). «طنز و هجو اگر گاهی از جهت خنده ظاهری (هزل‌آمیزی) و برشمردن عیوب کسی یا جامعه‌ای و نیز انتقادجویی با یکدیگر شباهت پیدا می‌کنند؛ اما بلافاصله تفاوت این دو آشکار می‌شود؛ زیرا درد طنز، همگانی و بیشتر مربوط به دردهای عمومی و اجتماعی است. درحالی‌که درد هجو، مبتدل، خصوصی و شخصی است» (بهزادی اندوهجردی، ۱۳۷۸، ص. ۷۲). بزرگ‌ترین شاخصه طنز و تفاوت آن با دیگر انواع شوخ‌طبعی، اجتماعی بودن آن است. افق فکری و رای واژگان طنز، باید دل‌سوزانه و هدف‌دار، جسورانه و البته مؤدبانه باشد، اگر این نوع اندیشه در بیان طنز جاری نباشد، ارزش آن تا حد هزل و هجو پایین می‌آید. «در طنزهای شریف انسانی، دست‌کم یک عقده نجیب سالم وجود دارد. هنوز امیدی برای نجات بشر و اصلاً بدی‌ها باقی‌مانده است و کسانی هستند که حاضرند اگر سلاح سرد سخن کارساز باشد، خود را برای دفع شرارت نوع بشر به زحمت بیندازند.» (فلاح قهرودی و صابری، ۱۳۸۹، ص. ۳۸).

۳. نظریه‌های زبان‌شناختی طنز

در یکی از مهم‌ترین تقسیم‌بندی‌های زبان‌شناختی و حیطة نظریات مرتبط با آن و در ارتباط میان زبان و متن، جان موریل (John Morreall) طنز را به سه گروه عمده تقسیم می‌کند:

۳-۱. نظریه برتری‌جویی: این نظریه حسادت و برتری‌جویی را عامل اصلی شوخی معرفی می‌کند. نظریه‌پردازان بسیاری مثل توماس هابز، هانری برگسون، راسکین و آتاردو، به این مسئله به‌منزله عامل خنده پرداخته‌اند (حری، ۱۳۹۰، ص. ۳۹).

۳-۲. نظریه رهاسازی-آسودگی: این نظریه در قرن نوزدهم در آرای هربرت اسپنسر بازتاب یافته و وی معتقد است «خنده، آزاد شدن انرژی عصبی پس‌رانده شده است» لطیفه از منظر فروید از این رو اهمیت دارد که می‌تواند انرژی روانی سرکوب‌شده ذهن را دوباره آزاد کند و ارضای روانی و ذهنی به ارمغان آورد (اخوت، ۱۳۷۱، ص. ۲۸).

۳-۳. نظریه عدم تجانس: جیمز راسل لوول (James Russell Lowell) در سال ۱۸۷۰ می‌نویسد: طنز در تحلیل نخست، درک ناهماهنگی است. طنز حاصل تجربه محسوس میان دانسته‌ها یا توقعات ما از یک سو و اتفاقات رخ داده در لطیفه، خوشمزگی، لودگی

یا مزاح از دیگر سواست (کریچلی، ۱۳۸۴، ص. ۱۲).

در دو نظریه اول، رویکرد پژوهشگران به شوخ طبعی روان‌شناختی بوده و در حالی که نظریه سوم ساختار لطیفه را مورد توجه قرار داده است. از آنجاکه نظریات زبان‌شناختی طنز به ویژگی‌های زبانی و ساختاری لطیفه توجه دارند، می‌توان این گونه برداشت کرد که نظریات زبان‌شناسان طنز زیرمجموعه نظریه عدم تجانس هستند. بنا بر سه نظریه فوق، رویکرد تحلیلی فرکلاف که این تحقیق بنا بر آن مورد تبیین قرار گرفته، در حیطه سوم جای داشته و به دنبال یافتن ارتباط بینامتنی و فضای برون‌متنی است.

۴. روش تحلیل متن

رویکردهای تحلیل متن به دو روش تحلیل صورت و معنا، متون را ارزیابی کرده‌اند؛ یکی از رویکردهای مؤثر در تحلیل متن‌های ادبی، ظهور شیوه تحلیل گفتمان است که بنیاد آن را می‌توان در زبان‌شناسی انتقادی یافت. صاحب‌نظران این رهیافت در حوزه نقد ادبی برآن‌اند که در تحلیل متن‌های ادبی افزون بر جنبه‌های صوری و واژگانی، عوامل گوناگون فرهنگی، اجتماعی و سیاسی نیز نقش دارند. در تجزیه و تحلیل آنچه متن‌ها را شکل می‌دهد، ایدئولوژی‌ها و جهان‌بینی‌های حاکم بر آن‌هاست و هیچ متنی وجود ندارد که خبری محض به مردم بدهد؛ بلکه همگی جهت‌دار و دارای بار ایدئولوژیکی تفسیری هستند (آقاگل زاده، ۱۳۹۲، ص. ۱۸۲). با استفاده از نظرات میشل فوکو که می‌توان از او به‌عنوان بنیان‌گذار تحلیل گفتمان یاد کرد، تأکید بر این است که رابطه‌ای تعاملی بین متن و زمینه وجود دارد و برای تحلیل متن مجموعه شرایط اجتماع، زمینه وقوع متن یا نوشتار، گفتار، ارتباطات غیرکلامی و رابطه ساختار و واژه‌ها در گزاره‌ای کلی نگریسته می‌شود (نک. فرکلاف، ۱۳۸۹).

فرکلاف متن، تعامل و بافت اجتماعی را به‌عنوان سه عنصر گفتمان مشخص می‌کند و سه مرحله توصیف، تفسیر و تبیین را برای تحلیل آن به کار می‌برد، در سطح توصیف متن براساس مشخصه‌های زبان‌شناختی اعم از آواشناسی، واج‌شناسی، نحو، ساخت واژه و معنی‌شناسی و تا حدودی کاربردشناسی مورد تحلیل قرار می‌گیرد. در سطح تفسیر، متن بر مبنای آن چه که در سطح توصیف بیان شده با در نظر گرفتن بافت

موقعیت و مفاهیم و راه‌بردهای کاربردشناختی زبان و عوامل بینامتنی تحلیل می‌شود و قدرت و قراردادهای و دانش فرهنگی اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرد. سطح تبیین نیز مرحله‌ایست که به بیان ارتباط میان تعامل و بافت اجتماعی می‌پردازد و این‌که چگونه فرایندهای تولید و تفسیر تحت تأثیر اجتماع قرار دارند (نک. فرکلاف، ۱۳۸۹). در ادامه با بهره‌گیری از روش تحلیل گفتمان فرکلاف سعی خواهیم داشت، از نشریات تأثیرگذار طنز از قبیل توفیق، به بخش‌هایی اشاره شود که در زمان خویش تأثیری مهم در نقد عملکرد نهاد و ساختار قدرت داشتند؛ گفتمان حاکم بر متون طنز، براساس سه شاخص زیر تحلیل شده‌است:

اول. قطب‌بندی واژگان (کلمات و اسامی به کار رفته در قالب استعاره و یا کنایه): در این مؤلفه، واژگان بنیادی، همراه با کارکرد مفهومی آن را نام خواهیم برد؛ برای مثال واژه‌هایی مانند دارالشورش، آنگلو فیل، کرسی نرم و گرم هرکدام به صورت کنایه مفهومی را منتقل می‌کند.

دوم. ارتباط گفتمانی (غیر سازی): در چارچوب این رهیافت، شناسایی عناصر گفتمانی متخاصم لازم است، گفتمان حاکم در مقابل گفتمان منتقد، مدام حوزه خود را گسترده و قلمرو دیگر را محدودتر می‌کند. در واقع، برای تحلیل یک گفتمان، باید آن را در برابر گفتمان رقیب داده و ساختارهای مناقشه‌برانگیز و تفاوت‌های معنایی را پیدا کرد. (فرکلاف، ۱۳۸۹، ص. ۲۸)

سوم. تفسیر گزاره‌های معنایی: تفسیر متن با توجه به شرایط محیطی و زمانی اثر، به تحلیل‌گر کمک می‌کند تا با بهره‌گیری از محیط گفتمانی اثر نشان دهد که فلان جمله یا گزاره، حاوی کدام معانی ضمنی و نا آشکار است و نویسنده از به‌کار بردن آن، چه قصد و نیتی داشته‌است.

۵. شناخت و تحلیل زمینه سیاسی و اجتماعی: نهاد مجلس شورای ملی در دوره پهلوی دوم

فضای سیاسی و نوع مناسبات حاکم در دوران ۳۷ ساله حکومت محمدرضا شاه، با توجه به عدم توازن و انعطاف‌پذیری در توسعه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، موجب شکل‌گیری تعارض گفتمانی با هدف اعتراض به وضع موجود، به‌ویژه در حوزه‌های

سیاسی و فرهنگی گردید؛ این تعارض به شکل نمادین و با تثبیت قدرت محمدرضا شاه بعد از کودتای ۳۲، کم‌کم وجه نقاد خود را بازنمایی کرده و در اوایل دهه ۴۰ شمسی، در تقابل با گفتمان رسمی که حاکمیت سیاسی قرار گرفت. از عناصر این گفتمان انتقادی نقش پررنگ طنز مطبوعاتی به رغم فضای بسته سیاسی است و عمده اشخاص و مشخصه‌هایی که مورد هدف این عرصه قرار می‌گرفتند، عبارت بودند از: دولت (شخص نخست وزیر و کابینه)؛ عملکرد مجلس شورای ملی (انتخابات، نمایندگان و قوانین مصوبه)؛ فقرا و مردم ساده‌اندیش کوچک و بازار؛ فرهنگ سنتی و مضامین رواج یافته آن؛ خاندان پهلوی؛ در این میان نقد مجلس و کارکرد سیاسی آن در مسیر تأمین مقاصد گفتمانی ضمن افزایش آگاهی جامعه فرهنگ سیاسی حاکم را تحت تأثیر و بعضاً تغییر قرار داده است.

حکم موافقت با تشکیل مجلس شورای ملی در دوره مشروطه در نتیجه مبارزات گسترده مردم، سرانجام در تاریخ ۱۴ جمادی‌الثانی ۱۳۲۴ق، در ذیل فرمان مشروطیت توسط مظفرالدین شاه صادر شد. به این صورت مشروطیت سبب ورود ایرانیان به دنیای جدید و نمود نهادهای دموکراتیک گردید؛ در رأس این نهادها مجلس قرار داشت که اساس نظام مشروطه به حساب می‌آمد، جایگاه واقعی مجلس نه به دلیل ترکیب نمایندگان آن، که ریشه در مبانی حقوقی نظام مشروطه و ملهم از قانون اساسی آن بود (ملائی، ۱۳۸۱، ص. ۶۱۳).

طی دوران حکومت ۱۶ ساله رضاشاه (۱۳۲۰-۱۳۰۴ ش) هشت دوره انتخابات مجلس شورای ملی (دوره‌های ششم تا سیزدهم) برگزار گردید که هفت دوره آن در زمان سلطنت وی و دوره سیزده در اوایل حکومت محمدرضاشاه به واسطه اشغال نظامی ایران توسط دول متفق، فعالیت خود را آغاز کرد. رضاشاه به مرور زمان با تسلط بر قوه مجریه، به آسانی توانست از طریق وزارت دربار و سپس از طریق وزارت داخله در امور انتخابات مجلس شورای ملی دخالت کند. در ارتباط با عملکرد و تاثیرگذاری مجالس، می‌توان چنین اظهار داشت که نسبت به تاسیس و فعال‌سازی به موقع آن اهتمام خوبی بوده که مشابه آن را در ادوار پیشین کمتر می‌توان سراغ گرفت. اما از حیث تاثیرگذاری فراز و فرودهای بسیاری را تجربه نموده است.

سال‌های سلطنت پهلوی دوم از جمله سال‌هایی است که شرایط عمومی حاکم بر آن دست‌خوش تحولات گوناگون قرار گرفته است. نگاهی به روند تحولات دوره پهلوی دوم و فراز و نشیب‌های قدرت در نهاد مجلس به خوبی نشان می‌دهد که این نهاد بعد از یک دوره دوازده ساله از فعالیت در عرصه آزادی‌های پارلمانی که در سال‌های (۱۳۳۲-۱۳۲۰ش) به دلایل سیاسی اتفاق افتاد، بعد از وقایع منجر به کودتای ۲۸ مرداد و سقوط دولت مصدق، به مرور خاصیت اثربخشی خود را در مقابل نهاد دربار از دست می‌دهد (قلفی، ۱۳۷۹، صص. ۲۱-۱۸). «گام اول این مسئله با موجودیت یافتن شکل جدید مجلس سنا و کسب اختیار انتصاب نیمی از نمایندگان این مجلس توسط شاه، عینیت یافت و گام دوم بعد از کودتای ۲۸ مرداد صورت گرفت که طی آن مجلس اقتدار نیم بند خود را از دست داده و به یکی از مجاری اعمال شاه بدل شد» (ازغندی، ۱۳۷۶، ص ۱۳۳).

۶. بازتاب تحولات سیاسی انتخابات مجلس چهاردهم شورای ملی (نمونه‌های طنز)

انتخابات دوره چهاردهم در دوران نخست‌وزیری سهیلی برگزار شد، اما بعد از افتتاح مجلس علیه او اعلام جرم کردند و اسنادی مبنی بر دخالت دولت در انتخابات انتشار یافت که بر اساس آن کار به محاکمه سهیلی به‌عنوان نخست‌وزیر و تدین به‌عنوان وزیر کشور کشید. روزنامه توفیق در مقاله‌ای با عنوان «انتخابات تهران پایان یافت» به انتخابات مجلس چهاردهم اشاره می‌کند که در آن هرکدام از دولت‌های اشغال‌گر سعی داشتند با اعمال نفوذ، افراد منتسب به گرایش فکری خود را رهسپار مجلس نمایند.

۶-۱. انتخابات آزاد تهران پایان یافت

«دیروز انتخابات تهران پایان شد و ما ناچاریم بگوییم «لا خیر فی ماوقع» راستی چه انتخابات نازنینی بود، هیچ کم و کسری نداشت، نه دولت در آن دخالت می‌کرد و نه انجمن نظارت ذینفع بود. یک عده مردمان صالح بی‌غرض که از چهارده معصوم هم پاک‌تر بودند دور هم جمع شده و صمیمانه کار می‌کردند. کاندیداها را هم نگو، یکی از یکی شریف‌تر و کاردان‌تر و به امور سیاسی آشناتر، هم وطن‌پرست، صدیق و درست کار.

خلاصه همه [ویژگی‌های] پسندیده در آنها جمع و من خیال نمی‌کنم تا به حال در هیچ کجای دنیا انتخاباتی به این آزادی صورت گرفته باشد. در ولایات که انصافاً انتخابات خیلی آزاد بود و کله گنده‌ها بکلی پاشون را کنار کشیده بودند. نه رشوه می‌گرفتند، نه توصیه می‌کردند و نه اعمال زور در کار بود. البته نباید به حرف‌های یک عده ۸۰۰۰۰ نفری که از نهاوند و تویسرکان اعتراض کردند و می‌گویند «کلک زدنی» وکیل ما نیست و دولت بزور اسلحه آرای ما را عوض کرده گوش داد؛ چون اینها چرند می‌گویند! یا اگر لرستانی‌ها مدعی هستند که اصلاً انتخاباتی در آن جا صورت نگرفته و مردم رنگ صندوق را ندیده‌اند؛ دری وری می‌گویند و می‌خواهند به دولت و مقامات رسمی توهین کنند؛ والا دولت ما از شیر برنج هم صاف و ساده‌تراند و محال است که اهل این قبیل زدوبندها و رشوه خوری باشند» (نشریه توفیق، ۸/۱۰/۱۳۲۲).

الف. قطب‌بندی واژگان: به کارگیری کلماتی مانند مردمان صالح، کنایه از دخل و تصرف انتخاباتی توسط افراد دخیل دارد.

ب. ارتباط گفتمانی: گفتمان حاکم مبنی بر برگزاری انتخابات سالم و بدون دخل و تصرف و نفوذ است که توسط گفتمان منتقد با ارایه تمثیل‌های استعاره‌آمیز مورد تشدید قرار می‌گیرد. نویسنده سعی دارد با ایجاد پیش‌انگاره‌هایی در ذهن مخاطب با تمسخر حضور زیاد معترضین در دو شهر دورافتاده، نحوه برگزاری انتخابات و دروغ‌های مدیران پهلوی، امر را زیر سؤال ببرد؛ خواست‌های عمده انقلاب مشروطه، یعنی حکومت قانون، پارلمان و مشارکت آزاد گروه‌ها در حیات سیاسی با تکوین ساخت نظام سلطنتی پهلوی غیر قابل اجرا شدند؛ در این دوره با متمرکز شدن منابع و ابزارهای قدرت و ایجاد بورکراسی جدید، وجه ساختاری سلطنت مدرن به وجود آمد؛ که در فرایند تحول‌پذیری موجب پراکندگی بیشتر گروه‌ها، منابع قدرت محلی و استقلال نیم بند مجلس می‌شد.

پ. تفسیر: راوی داستان با هدف قرار دادن موضوع انتخابات گریزی به مباحث مرتبط با برگزاری انتخابات آزاد می‌زند. در زمان برگزاری این دوره از مجلس مشروطه، متفقین تلاش می‌کردند عوامل و طرفداران خود را به هر شکلی وارد مجلس کرده و به اهداف سیاسی خود صورت قانونی بدهند. راه دیگری که شوروی و انگلیس برای

اعمال نفوذ بیشتر در ایران در نظر داشتند، همان دخالت در انتخابات دوره چهاردهم بود که در سال ۱۹۴۳ برگزار شد. در فاصله بین سال‌های ۱۹۴۳ تا ۱۹۴۴ روس‌ها از حزب توده و انگلیس‌ها از احزابی مانند حزب اراده ملی حمایت می‌کردند (ذوقی، ۱۳۷۲، ص. ۱۴۲).

۲-۶. قطعه «مجلس چهاردهم»

دارند همیشه عده‌ای از وکلا با هم سر اغراض خصوصی دعوا
این مجلس پر ز فتنه بی چون و چرا دارالشوروش بود نه دارالشورا
(نشریه تهران مصور، ۲۲/۳/۲۵)

الف. قطب‌بندی واژگان: دارالشوروش کنایه از مجلس یا دارالشورا

ب. ارتباط گفتمانی: مضامین و انگاره‌های به‌کاررفته در این شعر و استفاده کنایه‌آمیز از لفظ دارالشورا (محلّی برای مشورت و حل مشکلات مردم) به اسم دارالشوروش (محلّی برای دعوا و جدل‌های سیاسی بی‌حاصل و از روی بغض و کینه) در پی ترسیم نمایی از ساختار مجلس است که به‌عنوان یکی از دال‌های گفتمان سیاسی حاکم شناخته می‌شود؛ و نویسنده سعی دارد با تشبیه محلّ مشورت به محلّ جدل و بیان اغراض خصوصی و کلا نقد خود را بیان و هویت سازمانی مجلس را زیر سؤال ببرد.

پ. تفسیر: از جمله اختلافات درونی میان نمایندگان مجلس شورای ملی در خلال فعالیت دوره چهاردهم (اسفند ۱۳۲۲ لغایت اسفند ۱۳۲۴) تصویب اعتبارنامه‌های همدیگر بود که بعضاً دخالت اغراض و دلالت‌های شخصی و یا حزبی، موجب می‌شد ساعت‌ها وقت نمایندگان صرف تأیید اعتبارنامه‌ها سپری شود. «در تاریخ مجالس ۲۴ گانه شورای ملی ایران که قبل از انقلاب اسلامی برگزار شده بود، در مجموع اعتبارنامه ۳۲ نماینده به تصویب نرسید که نخستین آن‌ها «دکتر میرزا محمدخان مصدق‌السلطنه» نماینده اصفهان بود که به علت کمی سن، اعتبارنامه‌اش رد شد و مجلس چهارم شورای ملی با رد هشت اعتبارنامه در این زمینه رکورددار بود. مجلس چهاردهم که ۱۲۸ نماینده داشت، همچنین با عدم تصویب اعتبارنامه سید جعفر جوادزاده معروف به پیشه‌وری، نماینده تبریز، نخستین واکنش خود را در قبال نیروهای چپ نشان داد» (ذوقی، ۱۳۷۲، ص. ۱۴۳).

۷. مضامین انتخاباتی

۷-۱. قطعه «فیل می آریم»

برای خلق به مجلس وکیل می آریم هوار و غلغله و قال و قیل می آریم
پی گریم هنرپیشگان دارالشورا، عصا و عینک و ریش و سیل می آریم
فشار خون و رماتیسم و نقرس و سرطان، دوباره همگی مشتت علیل می آریم
چو نیست کرسی ما جای راست کرداران، خبیث و موذی و رند و محیل می آریم
چه فرق می کند آمریکوفیل و انگلوفیل همین خوشیم که یک مشتت فیل می آریم
(حالت، ۱۳۸۱، ص ۳۰۷)

الف. قطب بندی واژگان: هنرپیشگان دارالشورا کنایه از وکلای مجلس، فیل کنایه از وابستگی خارجی و همچنین علیل و محیل، کنایه از ناکارآمدی افراد انتخابی دارد.
ب. ارتباط گفتمانی: مضامین به کاررفته در این شعر و استفاده کنایه آمیز از واژگان متعدد در پی ترسیم نمایی از نمایندگان راه یافته و فضای بیمار مجلس دارد. در واقع یکی از نمادهای گفتمانی حاکم استقلال رای و شخصیتی وکلا است که در این طنز وکلای انتخابی به دلیل وابستگی خارجی مورد نقد قرار می گیرند. نظام سیاسی پهلوی دوم از بنیان های نظری و ایدئولوژیکی خاص خود برخوردار بود که بر پایه آن تلاش می کرد تا مشروعیت سیاسی خود را تأمین نماید. یکی از مهم ترین ابزارها در راستای تحقق این هدف، تشکیل احزاب دولتی یا دستوری بود که با حضور عناصر وابسته پایه های احزاب فرمایشی بیشتر سست می گردید.

پ. تفسیر: این قطعه در هفته نامه توفیق همزمان با آغاز انتخابات دوره مجلس بیست و یک سروده شد. طنزپرداز در ابتدا از نمایندگان مجلس با عنوان فیل یعنی «دوستان» یاد کرده است، چنانچه «باسریان» رئیس اداره ثبت احوال گرمسار و دست اندرکار امور دولتی معتقد بود، به علت وابستگی اکثر وکلا، فعالیت در دولت بی فایده است (مروار، ۱۳۸۶). نمونه دیگر این مسئله در خصوص وابستگی اسدالله علم به انگلیسی ها، در کاریکاتور هفته نامه توفیق سال ۴۲ به اثبات می رسد. کاریکاتور بدین

شرح است: علم سوار بر فیل کنار سر در مجلس ایستاده و زیر تصویر نوشته شده است: «کاکاتوفیق به رئیس مجلس: یا مکن با فیلبانان دوستی، یا بنا کن خانه‌ای فیل توش بره» (نشریه توفیق، شماره ۳۱، ۱۳۴۲)

در راستای برگزاری این دوره از انتخابات در شهریورماه ۱۳۴۲ کنگره‌ای تحت عنوان «کنگره نهضت آزاد زنان و آزادمردان» تشکیل گردید. در این کنگره حدود یک هزار نفر از نمایندگان کشاورزان، کارگران و طبقات مختلف دیگر در سراسر کشور شرکت کرده بودند. در پایان، کنگره لیست کسانی که توسط «نهضت آزاد زنان و آزادمردان ایرانی» برای سراسر کشور کاندیدا بودند را منتشر کرد (مروارید، ۱۳۷۷، ص. ۷۵۹). طبق اعلام کنگره، نمایندگان این دوره مجلس باید از طبقات کشاورز، کارگر و فرهنگی انتخاب می‌شدند. انتظار می‌رفت در این دوره کسانی به مجلس راه یابند که پیش‌تر در رقابت‌های انتخاباتی شرکت نکرده بودند و به عبارتی ترکیب نمایندگان تغییر می‌کرد (آبادانیان، ۱۳۸۷، ص. ۲۸۲). لیست کاندیداها که توسط کنگره اعلام شده بود، غالباً پیش‌ازین توسط اسدالله علم دست‌چین و به کنگره معرفی شده بود. بنابراین روند تبلیغاتی و سپس انتخابات دوره بیست و یکم بر پایه همین لیست معرفی شده شکل گرفت (شاهدی، ۱۳۷۹، ص. ۴۵۷).

۲-۷. «خطر فضولی» (هشدار به کرسی‌نشینان)

ای تکیه زده به روز بر کرسی چرم
وی رفته به شب به زیر یک کرسی گرم
کاری نکنی که بینی از دست تو پاک
هم کرسی گرم رفته هم کرسی نرم
(نشریه توفیق، ۱۳۴۸/۹/۲۵)

الف. قطب‌بندی واژگان: استفاده از واژه کرسی در سه مصرع از دوبیتی مذکور، چرم، گرم و نرم کنایه از راحت‌طلبی و کلای مجلس در مقابل رسیدگی به امور را دارد.
ب. ارتباط گفتمانی: تعارض گفتمانی راحت‌طلبی در مقابل تلاش و کوشش مسئولین دولتی در جهت رسیدگی به امور مردم به خوبی در دو بیت مذکور دیده می‌شود. در واقع شاعر با استفاده از هنر طنز ساختار تبلیغی نهاد مجالس پهلوی در رسیدگی به امور توده مردم و تلاش بی‌وقفه آنان را به باد انتقاد می‌گیرد. فقدان نهادهای

سیاسی قدرتمند باعث می‌شود که «قواعد مشترک بازی» برای بازیگران تعریف و اجرا نگردد. در این کشورها قوای مقننه و اجراییه، مراجع عمومی و احزاب سیاسی همچنان شکننده و بی‌سازمان برجای مانده‌اند. رشد دولت از تکامل جامعه واپس مانده است. عدم تکامل نهادهای سیاسی باعث می‌گردد که اشتراک سیاسی شهروندان جذب و جهت‌دهی نداشته باشد.

پ. تفسیر: این شعر در فضای ملتهب سیاسی اوایل دهه بیست و در نزدیکی برگزاری انتخابات دوره چهاردهم سروده شده است. انتخابات درحالی برگزار شد که هنوز کشور از حضور بیگانگان رنج می‌برد. در انتخابات این دوره نیز دولت علی سهیلی اعمال نفوذ بسیاری کرد که مورد اعتراض شدید گروه اقلیت مجلس به رهبری دکتر مصدق قرار گرفت. از جمله فراکسیون‌هایی که در این مجلس وجود داشت می‌توان به اراده ملی، میهن، آزادی و حزب توده اشاره کرد. رقابت‌های نفتی در این دوره میان دول بیگانه (شوروی و انگلیس) آنقدر زیاد بود که امضای قرارداد با هر یک از آنها منجر به واکنش جدی طرف دیگر می‌شد. در این دوره، دکتر مصدق طرحی را تهیه کرد که دولت‌های ایران قبل از در جریان گذاشتن مجلس شورای ملی اجازه مذاکره با دول بیگانه را نداشتند. حضور متفقین در کشور آنقدر آزاردهنده بود که موجب ایجاد فترت یک ساله بین مجلس چهاردهم و پانزدهم شد و برگزاری انتخابات دوره پانزدهم تا قبل از خروج دول بیگانه از کشور ممنوع اعلام شد. در مجلس چهاردهم مجموعاً ۱۹۴ جلسه به ریاست اسعد، ملک‌مدنی، سیدمحمد صادق طباطبایی و امیر تیمور کلالی تشکیل شد (ناطقیان فر و امیری، ۱۳۸۹). وضعیت اجتماعی ایران با ورود متفقین و آشفتگی ناشی از شرایط جنگی با بحران گرانی و کمبود ارزاق و بحران امنیت همراه شد. ساختارهای لازم برای احیا قدرت با کمک کنشگران اصلی ساختار قدیم تجدید حیات یافت. «گرچه ورود نیروهای متفق موجب دگرگونی‌های سیاسی و اجتماعی در ایران گردید و سازمان‌های سیاسی و اجتماعی به فعالیت پرداختند اما مسئله مهم که مانع از نهادینه شدن قدرت اجتماعی مستقل بود مسئله عدم شکل‌گیری سازمان و جبهه واحد از کنشگران عرصه دموکراسی و آزادی‌طلبی بود و از سوی دیگر به دلیل عدم رشد فرهنگ سیاسی جامعه عدم شکل‌گیری طبقات مستقل اجتماعی،

فعالیت سیاسی منسجم و حرفه‌ای امکان پذیر نبود (قوام، ۱۳۸۲) که نمودبخشی از آن را می‌توان در عملکرد انتخاباتی برای مجلس یافت.

۷-۳. قطعه «تلاش برای حفظ حقوق» (راجع به چانه زدن نمایندگان مجلس درباره حقوق خود)

در مجلس اگر که دم به دم داد کنم
خواهم که فقط باغ خود آباد کنم
از حفظ حقوق ملت چون عاجز
از بهر حقوق خویش فریاد کنم

(نشریه توفیق، ۱۳۴۶/۱۱/۲۴)

الف. قطب‌بندی واژگان: تشبیه داد (فریاد نمایندگان در مجلس) به آباد نمودن باغ خویش (کنایه از توجه به مسایل شخصی به جای عمومی) و استعاره کنایه‌آمیز از عجز در مقابل دفاع از حقوق ملت به خاطر توجه به حقوق خویش (وکلا)

ب. ارتباط گفتمانی: با ترسیم طنزآمیز از فضای مجالس دوره پهلوی انگاره ضعف یکی از ساختارهای قدرت در گفتمان سیاسی حاکم را یادآور می‌شود که تلاش در تثبیت دال گفتمانی قدرت، تثبیت سازمانی و توسعه محصول بورکراتیک خویش را دارد. «وقتی یک سازمان و نهاد قدرتمند در جامعه‌ای قواعدی برای کنترل و مهار جامعه و گروه‌های اجتماعی تعریف نکند، گروه‌ها هرکدام خود قواعدی برای خود تعریف می‌کنند؛ یعنی در کشورهای جهان سوم هر گروه، قواعد خاص خود را دارد. عرصه سیاسی رویارویی گروه‌های مختلف، با قواعد مختلف می‌باشد؛ به همین خاطر، رویارویی میان گروه‌های سیاسی، عریان است؛ یعنی رقابت افراد، خانواده، گروه‌های مذهبی و نژادی با همدیگر، خشونت‌آمیز است.» (سمیعی و محمدی، ۱۳۹۳)

پ. تفسیر: یکی از دلایل انتقاد از مجالس دوره پهلوی به صورت طنز، ضعف این نهاد در برابر سایر ساختارهای قدرت در دوران پهلوی دوم بود. در این قطعه که چند ماهی بعد از برگزاری انتخابات مجلس بیست و دوم (۱۴ مهر ۱۳۴۶) سروده شده است، با یادآوری سازمان ضعیف مجلس به وکلایی اشاره دارد که به فکر منافع شخصی خود هستند. کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ منجر به تضعیف قدرت مجلس و افزایش قدرت شاه گردید. از کودتا به بعد، محمدرضاشاه و دربار به‌طور مؤثر در انتخابات مجلس دخالت می‌کردند و با استفاده از شیوه‌های مختلف مانند به‌کارگیری نیروهای

امنیتی، تعیین و گزینش داوطلبان موردنظر و حذف نامزدهای مستقل در جریان انتخابات، اعمال نفوذ می‌کردند (ازغندی، ۱۳۸۰، ص ۲۲۰). احزاب ملی‌گرا چون جبهه ملی به فعالیت‌های مخفی و نیمه مخفی روی آوردند، حزب توده به خارج از کشور منتقل شد و تشکل‌های مذهبی نیز یا متمایل به احزاب ملی شدند و فعالیت‌های مخفی را در پیش گرفتند؛ در کنار این نابسامانی‌های سیاسی محمدرضا شاه در ظاهر برای سروسامان بخشیدن به وضعیت تحزب در کشور اقدام به تشکیل و حمایت از احزاب دولتی کرد؛ هرچند که تظاهر به دموکراسی، پاسخ به فشارهای آمریکا و کنترل معادلات و رقابت‌ها در درون حاکمیت را نیز می‌توان از عوامل پشت پرده این سیاست دانست. در ۱۳۳۶ ش احزابی پا به عرصه سیاست نهادند که ساخته و پرداخته حکومت و دربار پهلوی بودند. حزب دولتی «مردم» به رهبری اسد الله علم حزب اقلیت‌ها شناخته می‌شد و همیشه انتقاد آرام را در دستور کار خود داشت و حزب ملیون به رهبری منوچهر اقبال (نخست‌وزیر وقت) حزب حاکم صحنه سیاست بود. پس از خروج ملیون از عرصه سیاست کانون مترقی به رهبری حسنعلی منصور جای آن را گرفت. کانون مترقی به‌عنوان هسته مرکزی حزب ایران نوین برای شاه موقعیتی را فراهم کرد که تثبیت حاکمیت را نیز تضمین می‌کرد. این استقلال و ثبات شاهانه که البته حمایت‌های خارجی خاصه آمریکا را با خود داشت، شاه را در رأس همه امور قرار داد تا جایی که برخی گزارش‌ها، مستقیم به او می‌رسید، با برخی از مقامات خارجی خود شخصاً دیدار و مذاکره می‌کرد (صارمی، ۱۳۷۸، ص ۵۲). و در این میان نخست‌وزیر و کابینه‌اش مجری دستورهای او بودند.

۴-۷. قطعه «شرایط کرسی نشینی»

رفیق کودن و کم ظرف خود را	شینیدم گفت در مجلس و کیلی
سیه، رخسار همچون برف خود را	که در مجلس مزن حرفی که سازی
که نشانی به کرسی حرف خود را	تورا ز آن رو به کرسی می‌نشانند

(حالت، ۱۳۸۱، ص ۹)

الف. قطب‌بندی واژگان: سیه رخسار و برف (کنایه از شرمندگی و کلا در صورت

عدم توجه به گفتارشان)، کرسی (کنایه از جایگاه مجلس و همچنین یکدندگی آنان بر خواسته‌هایشان).

ب. ارتباط گفتمانی: قطعه فوق اشاره به فعالیت بیهوده نمایندگان مجالس دوره پهلوی و نحوه گزینش آنها توسط حزب مرکزی دارد. نحوه گزینش، زمینه اعتراض برخی افراد را ایجاد کرد. بررسی ابعاد سیاسی و گفتمان فرهنگ سیاسی غالب و همچنین رابطه دولت با فرد یا دولت با گروه‌های اجتماعی تبیین‌کننده رابطه میان قدرت عمومی و حوزه تخصصی است. در تعامل حوزه دولتی و خصوصی عناصر قدرت و جامعه مدنی در تقابل با همدیگر قرار دارند و باعث شکل‌پذیری وجوه گفتمان منتقد در مقابل گفتمان حاکم می‌شود.

پ. تفسیر: شاه در هر دوره از انتخابات مجلس اظهار می‌کرد که در دوره‌های قبلی انتخابات آزاد نبوده و تنها از این دوره به بعد است که شاهد برگزاری انتخابات آزاد خواهیم بود. و باز هم به تکرار ادعای خود می‌پردازد و در روز اعلام تأسیس حزب رستاخیز وعده می‌دهد که انتخابات مجلس بیست و چهارم شورای ملی به دور از هر گونه دخالت دولت و سایر گروه‌های صاحب قدرت و ثروت انجام خواهد شد و دست‌اندرکاران انتخابات، حداکثر تلاش خود را به کار خواهند بست تا چهره‌های جدید و مقبول به مجلس راه یابند (شاهدی، ۱۳۷۹).

۵-۷. قطعه «انتخابات حزبی»

جمله درخور آفرین باشد!
پاس مشروطه را امین باشد!
او هم از خلق این چنین باشد!
الحق از نوع بهترین باشد!
فارغ از فکر اجمعین باشد!
هر یک از فضل بی‌قرین باشد!
جلوه گر چند حور عین باشد!
دوره بیست و دومین باشد!

مجلس و طرز انتخاباتش
چون به حزبست متکی این بار
گر خلایق بوند از او بیزار
انتخابات سبک و آرام
چون میراست از دخالت جمع
نامزدهای نامبر دارش
خود بهشتی ست خاصه گرد روی
با چنین وصف، بهترین ادوار

الف. قطب‌بندی واژگان: پاس مشروطه، کنایه از عدم توجهی به آرمان‌های مشروطه‌خواهی در مجلس به عنوان یکی از نمادهای انقلاب مشروطه (۱۲۸۵ش) است. همچنین فکر اجمعین، دلالت بر عدم توجه به امور مردم، و فضل بی‌قرین و حور عین دلالت بر عدم خاصیت و کلا داشت.

ب. ارتباط گفتمانی: شعر با اشاره به مضامین انتخاباتی سعی دارد، به‌صورت طنز با بهره‌گیری کنایه‌آمیز از شیوه‌های انتخاباتی، نحوه شایسته‌سالاری در انتخابات مجالس دوره پهلوی را زیر سؤال ببرد، و در تقابل با عناصر گفتمان حاکم مبنی بر موفقیت‌آمیز بودن روند برگزاری انتخابات، نقد خویش را برای آگاه‌سازی جامعه در قالب طنز به منصفه ظهور برساند. فرهنگ سیاسی مبتنی بر حذف رقبا، عدم تحرک فرد، شناور بودن مدیریت‌ها و حاکم بودن دیوان‌سالاری مبتنی بر خویشاوندی، موجب شکل‌گیری و نهادینه شدن رفتارهای سیاسی ناهنجار و عدم تثبیت فرهنگ سیاسی عقلانی مبتنی بر استدلال و معاشرت فکری می‌گردد. همین موضوع گفتمان حاکم را در خلایی از تثبیت هویتی قرار می‌دهد که در هر زمانی گفتمان‌های منتقد آن را به باد تزلزل می‌کشاند. ابزارهای قدرت در این دوره عبارتند از: حزب، ارتش و بوروکراسی، در این میان حزب ایران نوین از جمله سازمان‌های نوین سیاسی بود که دربار برای کنترل بر مجلس ایجاد کرده بود.

پ. تفسیر: در انتخابات این دوره مجلس (۲۳ شهریور ۱۳۴۶ش)، نیز مانند دوران گذشته از سوی دربار و دولت، وعده انتخابات آزاد به مردم داده شد. با گسترش شایعات درباره حزبی بودن انتخابات این دوره از مجلس، شیفتگان وکالت مجلس به تکاپو افتادند تا با نام‌نویسی در دو حزب مردم و بویژه حزب ایران نوین که زمینه‌های بهتری را برای حضور در مجلس فراهم می‌کرد به آرزوی دیرینه خویش دست یابند. در این میان رهبران حزب ایران نوین تلاش می‌کردند تا اعضای سرشناس حزب مردم را با وعده دلفریب راهیابی به مجلس با خود همراه کنند (نک. ناطقیان فر و امیری، ۱۳۸۹). اسکندر دلدوم در خاطراتش می‌گوید: «در مجله کاریکاتور کار می‌کردم. شخصاً شاهد بودم نمایندگی محسن دولو به سفارش هویدا انجام شد و قبل از اعلام نتایج وی از پیروزی خود در انتخابات اطلاع داشت» (مروار، ۱۳۸۶، ص. ۲۳۴). در مدت سی‌وهفت

سال سلطنت محمدرضا شاه، یازده دوره قانون‌گذاری تشکیل شد که از حیث کارآمدی نمایندگان، منشأ طبقاتی می‌توان اشاره داشت در دوره‌های چهاردهم تا هیجدهم (۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ش) «به دلیل اوضاع بین‌الملل و جوان و کم‌تجربه بودن شاه، از فشارهای دربار و شاه بر مجلس کاسته شد؛ فراکسیون‌گرایی شدید و کوتاه‌بینی‌ها و نگرش‌های محدود اکثر نمایندگان و عدم توانایی آنان در درک وظایف اجتماعی خود و مقدم شمردن آن‌ها بر مقاصد خصوصی، عوامل متعددی بودند که در تهی ساختن مجلس از هرگونه محتوای معنادار بسیار مؤثر بودند» (عظیمی، ۱۳۷۲، ص. ۱۸)، ویا در دوره‌های ۲۱ تا ۲۴ «هرچند مجلس مهر تأییدی برای اعمال و اوامر شاه به حساب می‌آمد ولی باین حال مباحثه و سایر نشانه‌های وجود مجلس مستقل رعایت می‌شد و حتی باوجود بعضی افراد مخالف بازهم مجلس حول اجرای فرمان‌های شاه دور می‌زد؛ بنابراین مجلس پس از یک دوره فعالیت نیمه‌مستقل در دهه بیست، دیگر تا اواسط دهه پنجاه برای رژیم به‌عنوان یک مهر لاستیکی عمل می‌کرد و هم‌زمان با نزدیک شدن پیروزی انقلاب اسلامی و قیام عده‌ای از نمایندگان علیه حزب رستاخیز بود (مکی، ۱۳۷۸، ص. ۴۳).

۶-۷. قطعه «بازار انتخابات»

گرم است توی احزاب، بازار انتخابات	بنشسته صدر اخبار، اخبار انتخابات
بشنید چون آمیرزا، نامش نرفته درلیست،	از پا فتاده گشته، بیمار انتخابات
سوزن گرفته و نخ، در دست خود اوس عباس	تا بهر خود بدوزد، شلوار انتخابات
بشنو تو ای بادمجون! کاو با تمام خنگی	گشته چهار چشمی، هوشیار انتخابات

(نشریه توفیق، ۱۳۴۹/۱۱/۲۹)

الف. قطب‌بندی واژگان: در تمام این متن به تکرار واژگانی چون بیمار، یا معمار افسار، دلالت بر آن دارد که دخالت دربار در انتخابات زیاد است. در ادامه این ابیات، منوچهر کلالی، رییس تشکیلات حزب ایران نوین، و عباس هویدا در قالب واژه «اوس عباس» مورد نقد جدی واقع می‌شوند.

ب. ارتباط گفتمانی: بازهم تقابل گفتمان حاکم مبنی بر برگزاری صحیح انتخابات

و عدم دخالت اشخاص پرنفوذ در مقابل با گفتمان درباری؛ غلبه فرهنگ رقابت ستیز عمدتاً موجب رونق فرهنگ تابعیت در مقابل با فرهنگ مشارکت می‌گردد و مجاری جامعه‌پذیری از قبیل آموزش مشارکت را تحت تأثیر منفی خود قرار می‌دهد. از نظر ساختاری حکومت شاه مبتنی بر پایه‌های سنتی و البته تاحدی بوروکراتیک بود و تأکید بر سیاست حفظ سیستم موجب شده بود گروه نخبگان منتخب، همگی عضو گروه نخبگان رسمی باشند.

پ. تفسیر: قطعه «بازار انتخابات» اشاره به انتخابات مجلس بیست و دوم دارد، زمانی که اخبار آن در کلیه محافل و مجالس و ادارات دولتی و سازمان‌ها و حتی بیشتر خانواده‌ها، نقل محافل شده بود. مردم برگزاری انتخابات را مورد تمسخر قرار داده و از عدم شرکت در آن صحبت می‌کردند (مرور، ۱۳۸۶، ص. ۲۳۴). طنزپرداز با اشاره به هجوم نماینده‌ها جهت کسب کرسی انتخابات به دفتر کلالی رئیس تشکیلات حزب ایران نوین و لیدر فراکسیون مجلس خواجه‌نوری، می‌گوید: مراجعات مکرر سبب آزار متولیان حزب از جمله کلالی شده بود (مرور، ۱۳۸۶، ص. ۲۶۶). کلالی به‌عنوان بنده زیر دست هویدا بود. وی از اینکه به‌عنوان کارگردان مجلس خوانده شود، بسیار احساس رضایت می‌کرد (فرهمند، ۱۳۸۲). به همین دلیل روزنامه توفیق به‌طور غیرمستقیم از وی به‌عنوان معمار مجلس یاد کرده است.

۷-۷. قطعه «باید امضا بیا»

واقعا گر که اضافه بشه دوران ثنا	سه لا پهنا بشه گسترده گر این «خوان» ثنا؛
یعنی شش سال به هشت سال ترقی یابد	حالا صرف نظر از این که شود خوب یا بد
آنچه که لازم‌العنوان بود، قابل عرض	آمدیم شش سالم هشت سال شد، البته به فرض
چون وکیلان سنا پیر و پاتالند و قناس،	ذکر این تبصره در لایحه‌ی فوق به جاست
که هر آنکس که بود کاندید کرسی ثنا	لازمه از ملک الموت بیا» امضا؟

(نشریه توفیق، ۱۳۴۵/۵/۵)

الف. قطب‌بندی واژگان: ثنا کنایه از مجلس سنا، ترسیم انگاره مجلس سنا به

جمعی پیر و فرسوده تشبیه شده است که برای ادامه کار و زنده بودن باید از ملک‌الموت تأییدیه بیاورند.

ب. ارتباط گفتمانی: نقد گفتمان حاکم مبنی بر تصمیم افزایش یا کاهش میزان دوره‌های نمایندگی در جهت معرفی موثر بودن نهاد سازمانی مجلس در امور مملکت؛ به عبارتی افزایش کنترل حکومت بر منابع قدرت، احتمال مشارکت و رقابت سیاسی را کاهش می‌دهد و مانع از ایجاد نقش سازنده برای مجالس دوره پهلوی به عنوان بخشی برآمده از خواست عمومی ملت می‌شود. جامعه ضعیف و وجود شکاف‌های آشتی‌ناپذیر مانع وصول به اجماع کلی در اهداف زندگی سیاسی می‌گردد و از تکوین چارچوب‌های لازم برای مشارکت جلوگیری می‌کند.

پ. تفسیر: سنا مجلسی بود که در سال ۱۳۲۸ش فعالیت خود را آغاز کرد؛ دوره این مجلس در ابتدا شش ساله و در سال ۱۳۴۵ش به چهار سال کاهش یافت. سی نفر از شصت عضو سنا (۱۵ نفر تهران + ۱۵ نفر شهرستان‌ها) انتصابی بودند. اعضای آن معمولاً از میان مالکان، تجار بزرگ، وزرا، سفرا یا استانداران تشکیل می‌شد. از این رو طنزپردازان با نگاهی موشکافانه به عدم تأثیر مدت زمان کمی بر بهتر شدن کیفی فعالیت مجلس دارد. با تشکیل مجلس مؤسسان در اردیبهشت ۱۳۲۸ش، شاه مبادرت به بازنگری قانون اساسی و تغییر برخی از اصول آن از جمله اصل ۴۸ قانون اساسی کرد که بر اساس آن حق انحلال دو مجلس شورای ملی و سنا به طور جداگانه یا باهم به شاه اختصاص یافت. می‌توان گفت مجلسین و به طور خاص سنا تا پیش از بازنگری در سال ۱۳۲۸ش، نهادی بود که به تدریج رو به ضعف می‌رفت و تأثیر خاصی بر روند سیاست کشور نداشت، با کودتای ۲۸ مرداد شاه از این ابزار استفاده لازم را برده و توانست با اعمال ترکیب مورد نظر خود در سال ۱۳۴۰ش، این نهاد را تبدیل به نهادی قدرتمند در راستای قدرت خود نماید.

۸. نقد انتخابات دوره بیست و سوم

هفته‌نامه توفیق که در اردیبهشت ۱۳۵۰ با توجه به نزدیکی زمان برگزاری انتخابات دوره بیست و سوم، مطالب طنزی را منتشر ساخت که در زیر به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌گردد:

۸-۱. برگ‌ها

میگن برگ‌های انتخاباتی حاضر شده.

خوب مبارک باشه انشاءالله

مبارک باشه کدومه؟ یک تکون بخور که کار انتخابات با موفقیت انجام بگیره

مثلاً چه کار کنم؟

به چلوکبابی‌ها بگو «برگ‌های انتخاباتی» حاضر شده، «کباب برگ‌ها» را از حالا بذارن

تو یخچال که خوب اخته شن «شکر شکن»

(نشریه توفیق، اردیبهشت ۱۳۵۰)

الف. قطب‌بندی واژگان: برگ‌های انتخاباتی (کنایه از ریخت و پاش‌های دولتی در

زمانه برگزاری انتخابات)، اخته شن (کنایه از آمادگی برای فریب و نمایش دوگانگی

رفتار سیاسی)

ب. ارتباط گفتمانی: از جمله گروه‌های اجتماعی عمده که بخشی از هویت

گفتمان حاکم در این دوره بودند و ساختار سنتی قدرت در دوره پهلوی دوم را همانند

دوره پهلوی اول در دست داشتند، «گروهی از کارمندان علی‌رتبه و فرماندهان نظامی

هستند که در پست‌های مهم نمایندگی مجلس شورای ملی، وزارت و سایر مناصب

کلیدی در درون دستگاه حکومتی به حفظ نقش عمده خود ادامه دادند، این گروه‌ها در

قالب طبقه فرادست از جمله دیوان سالارانی بودند که ضمن بهره‌جویی از مساعدت

دولت، ساختار سنتی قدرت را حفظ می‌کردند» (اشرف، ۱۳۷۲، صص. ۸۰-۵۰).

پ. تفسیر: مکالمه بالا موضوع ریخت و پاش‌های انتخاباتی را به طنز هدف قرار

داده است. انتخابات دوره بیست و سوم مجلس شورای ملی در سال ۱۳۵۰ برگزار شد.

در این دوره، عده نمایندگان مجلس به ۲۶۸ نفر افزایش یافت. به این سبب نمایندگان

احزاب امیدوار بودند تا سهم بیشتری از کرسی‌های مجلس را به خود اختصاص دهند.

این دوره دومین انتخابات حزبی مجلس بعد از کودتا بود، زیرا به‌رغم وجود احزاب

ایران نوین و مردم، از آنجا که انتخابات این دوره را کنگره آزادمردان و آزادزان انجام

داده بود، نمی‌توان آن را جزو انتخابات حزبی دانست. درواقع با احتساب دوره بیست و

دوم، این انتخابات، دومین دوره انتخابات حزبی بود. حزب ایران نوین از اواخر سال ۱۳۴۹ برای ثبت نام از کاندیداها اقدام کرد. در این میان علاقه مندان وکالت برای به دست آوردن کرسی های نمایندگی مجلس هزینه بسیاری نیز متقبل شدند. حزب مردم هم برای جانمندان از میدان رقابت، با تبلیغات فراوان به فعالیت پرداخت. حزب ایران نوین با همان راهکارهای کهنه انتخابات پیشین با توسل به فرمانداران و افراد ذی نفوذ در ادارات مختلف تهران و دیگر نقاط کشور سعی کرد تا بیشترین آرا را از آن خود کند. (ناطقیان فر و امیری، ۱۳۸۹)

۲-۸. قطعه «انتخابات موفق»

تو که ناخوانده ای علم سیاسات	تو که ناپرده ای ره در کلاسات
در این صورت نمی دانم چگونه	موفق می شوی در انتخابات

(نشریه توفیق، اردیبهشت ۱۳۵۰)

«چون در انتخابات در این دوره و زمانه تهرانی از اردبیل انتخاب می شود و کرمانی از لرستان، لذا پیشنهاد می کنیم که در انتخابات آینده، دولت برای هر وکیلی که انتخاب شد یک دیلماج هم انتخاب کند که اگر بغرض محال وکیلی خواست با مردم شهری که از آنجا انتخاب بشود صحبت کند اشکالی نباشد» (نشریه توفیق، اردیبهشت ۱۳۵۰)

الف. قطب بندی واژگان: به کارگیری واژه های علم سیاسات، کلاسات، کنایه از سطح سواد وکلا و عدم اشراف آنها به موضوع مجلس و حوزه های انتخاباتی شان دارد، چنانچه در متن بعدی نیز با به کارگیری واژه دیلماج سعی در نشان دادن ضعف نمایندگان در امور رسیدگی به مناطق و یا عدم کنترل دولت در وضع انتخاباتی و کاندیداها دارد.

ب. ارتباط گفتمانی: در شعر بالا بحث بیسوادی و عدم شایستگی برخی از وکلا برای راه یابی به مجلس شورای ملی مورد هدف طنزپرداز قرار گرفته و ضمن اشاره به ناهماهنگی های بومی در انتخاب وکلا، مشکلات آنان در رسیدگی به وضعیت بومی حوزه های انتخابی شان دارد و با به کار بردن دیلماج، فی الواقع یاد آور می شود، نمایندگان برای آشنایی با مشکلات حوزه انتخابی خویش نیازمند راهنما و مترجم هستند.

پ. تفسیر: از جمله مسایل مرتبط با ورود نمایندگان از جناح‌های مختلف رقابت میان افراد با نفوذ دربار برای ورود اشخاص وابسته به خود بود. برای مثال می‌توان شواهد متعددی را نشان داد که حکایت از دخالت مستقیم و آشکار دربار در انتخابات دارد. از همین منظر است که برخی از نویسندگان با ذکر نام، به این آفت سیاسی اشاره دارند: «هویدا، هوشنگ نهاوندی، هوشنگ انصاری و جمشید آموزگار، علاوه بر دولت در حزب رستاخیز هم دارای مسئولیت‌های کلیدی بودند که رقبای سیاسی یکدیگر شمرده می‌شدند و هر یک از آن‌ها درصدد بود با فرستادن افراد بیشتری از طرفداران خود به مجلس رستاخیزی دوره بیست و چهار، شانس نخست‌وزیری خود را افزایش دهد. این و رقابت‌ها موضوع پنهانی نبود و حتی در جلسات حزب رستاخیز و سایر نشست‌های رسمی و غیررسمی صراحتاً اظهار می‌شد و طرفداران هر یک از این کاندیداهای نخست‌وزیری نقش خود را آشکار می‌کردند» (الموتی، ۱۳۷۱، ص. ۳۷۰).

نتیجه‌گیری

در این پژوهش با استفاده از روش تحلیل گفتمان و با بررسی محتویات طنز مرتبط با مجالس دوره پهلوی و مضامین آن سعی شد نقش طنز در افزایش آگاهی جامعه و همچنین نقد ساختار قدرت حاکم تحلیل شود. اصولاً طنز به مانند عنوان تسهیل‌گر در انتقال پیام عمل می‌کند و واکنش مخاطب را سریع‌تر برمی‌انگیزد. طنز در شرایطی که جامعه تحت فشار است، به ابزارهای متنوع پنهان‌سازی و پوشیده‌گویی همچون سمبل‌گرایی، نمادسازی، نظیرسازی تاریخی، کنایه، ابهام، کلی‌گویی، متوسل می‌شود تا از انسداد سانسور در امان باشد و برای گوینده خود، حاشیه امن ایجاد کند. در مقابل، هر جا که امکان طرح صریح انگاره‌های گفتمانی وجود دارد، از صراحت لازم برخوردار است. عنصر صراحت‌گریزی، به‌طور عمده در گفتمان انتقادی دیده می‌شود. در طول سلطنت پهلوی دوم شاهد افزایش چشمگیر انتقادات به صورت طنز از وضع مجلس و رفتار نمایندگان هستیم. در یک نگاه اجمالی، نشریات و مطبوعات طنز هر زمانی که که شرایط اجتماعی و تحمل صاحبان قدرت، بیشتر بوده است، مانند سال‌های ۱۳۳۲-۱۳۲۰، به بهترین شکل استفاده کرده و مسائل اجتماعی و سیاسی و

فرهنگی را در قالب بیان هنری قوی بر اساس کنایه و استعاره، بازنمایی کرده‌اند؛ ولیکن در سال‌های بعد از کودتای ۲۸ مرداد به واسطه تثبیت قدرت دربار و حاکمیت محمدرضا شاه این روند دچار وقفه شده است.

کتابنامه

- آبادانیان، حسین (۱۳۸۷). دو دهه واپسین حکومت پهلوی، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- آقا گل زاده، فردوس (۱۳۹۲). فرهنگ توصیفی تحلیل گفتمان و کاربردشناسی، تهران: علمی و فرهنگی.
- اخوت، احمد (۱۳۷۱). نشانه، مطایبه‌شناسی. اصفهان: فردا نشر.
- ازغندی، علیرضا (۱۳۷۶). روابط خارجی ایران ۱۳۵۷-۱۳۶۰، تهران: قومس.
- (۱۳۸۰). تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران، تهران: سمت.
- اشرف، احمد (۱۳۷۲). «زمینه اجتماعی سنت‌گرایی و تجددخواهی». ایران‌نامه. سال یازدهم. ش ۲. ص ۱۶۹-۱۷۳
- اصلانی، محمدرضا (۱۳۹۱). فرهنگ واژگان و اصطلاحات طنز، تهران: نشر قطره.
- الموتی، مصطفی (۱۳۷۱). ایران در عصر پهلوی. لندن: پکا.
- بهزادی اندوهجردی، بهزاد (۱۳۷۸). طنز و طنزپردازی در ایران، تهران: صدوق.
- توفیق، فریده (۱۳۸۴). روزنامه توفیق و کاکا توفیق، چاپ دوم، تهران: نشر آبی.
- جوادی، حسن (۱۳۸۴). تاریخ طنز در ادبیات فارسی، تهران: کاروان.
- حالت، ابوالقاسم (۱۳۸۱). ۵۷ سال با ابوالقاسم حالت، زندگی‌نامه خودنوشت و خاطرات، تهران: سوره مهر.
- حری، ابوالفضل (۱۳۹۰). در باره طنز، تهران: سوره مهر.
- داچک، مهری (۱۳۸۶). بررسی ویژگی‌های ساختاری- محتوایی طنز در برنامه‌های رادیویی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- ذوقی، ایرج (۱۳۷۲). ایران و قدرت‌های بزرگ در جنگ جهانی (ج ۳)، تهران: پاژنگ. جلد سوم.
- رشیدی، صفورالسادات؛ باقری خلیلی، علی اکبر (۱۳۹۶). «گفتمان شناسی انتقادی چوبک، در رمان تنگسیر». متن پژوهی ادبی (زبان و ادب سابق)، دانشگاه علامه طباطبایی: دوره ۲۱، شماره ۷۲. صص. ۳۵-۶۲.
- سمیعی، علیرضا؛ محمدی، علی (۱۳۹۳). «تبیین مناسبات احزاب دولتی در ساختار سیاسی پهلوی دوم»، فصلنامه اسناد بهارستان، شماره پنجم، پاییز و زمستان.
- شاهدی، مظفر (۱۳۷۹). مردی برای تمام فصول، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- شریفی، شهلا و کرامتی، سریرا (۱۳۸۸). «بررسی طنز منشور در برخی مطبوعات رسمی طنز کشور»، زبان

- و ادب پارسی دانشگاه علامه (زبان و ادب سابق). شماره ۴۲.
- صارمی، شهاب (۱۳۷۸). احزاب دولتی و نقش آنها در تاریخ معاصر ایران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- صلاحی، عمران (۱۳۷۷). یک لب و هزار خنده (طنزآوران امروز ایران)، تهران: مروارید.
- صلاحی، عمران (۱۳۸۲). خنده سازان و خنده پردازان، تهران: علمی.
- عرفانی، امیر (۱۳۷۹). «طنز در مطبوعات ایران»، مجله رسانه، ش ۴۳. ص ۵۳.
- عظیمی، فخرالدین (۱۳۷۲). بحران دموکراسی در ایران، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: البرز.
- فرکلاف، نورمن (۱۳۸۹). تحلیل انتقادی گفتمان، ترجمه فاطمه شایسته پیران و دیگران، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- فرهمند، جلال نقدی (۱۳۸۲). «مجلس بیست و یکم و حزب ایران نوین از نگاه یک نماینده سابق مجلس»، فصلنامه تاریخ معاصر ایران، بهار سال هفتم، شماره ۲۵.
- فلاح قهرودی، غلام علی، صابری تبریز، زهرا، (۱۳۸۹). «نقیضه و پارودی»، پژوهش‌های زبان و ادبیات. شماره ۴.
- قلفی، محمد وحید (۱۳۷۹). مجلس و نوسازی در ایران، تهران: نشر نی.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۲). موانع تحقق جامعه مدنی، تهران: قومس.
- کریچلی، سیمون (۱۳۸۴). در باب طنز، ترجمه سمی سهیل، تهران: ققنوس.
- محمودی بختیاری، بهروز؛ آدی بیک، آرزو (۱۳۸۸). «تلفن همراه به عنوان رسانه مکتوب: مطالعه گفتمانی از متون طنز پیام کوتاه فارسی»، تهران: مجله پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره ۱۵. ص ۱۷۵-۱۹۸.
- مروار، محمد (۱۳۸۶). مجلس شورای ملی (دوره‌های بیست و یکم تا بیست و چهارم)، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- مروارید، یونس (۱۳۷۷). ادوار مجالس قانونگذاری در دوران مشروطیت، جلد ۳، تهران: نشر اوحدی.
- مکی، حسین (۱۳۷۸). کتاب سیاه، تهران: علمی.
- ملائی، علیرضا (۱۳۸۱). مجلس شورای ملی و تحکیم دیکتاتوری رضاشاه، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ناطقیان فر، سارا؛ امیری، فاطمه (۱۳۸۹). مجالس عصر پهلوی. تهران: یاد ایام. ش ۵۷
- نبوی، ابراهیم (۱۳۷۸). کاوشی در طنز ایران، چاپ سوم، تهران: جامعه ایرانیان.